

مطالعه‌ی چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد کرمان بر اساس نویافته‌های

باستان‌شناختی

علیرضا زیان‌آور

دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)

alirezazabanavar@gmail.com

محمد مرتضایی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

رضا شعبانی صمخانی

استاد گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۶/۲۰)

چکیده

در میان چهارطاقی‌های ساسانی که تا به امروز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند بیشترین تعداد آن‌ها در جنوب ایران و در نواحی فارس و کرمان قرار دارند که در این بین چهارطاقی‌های کرمان به سبب دورافتادگی تا حدود زیادی ناشناخته مانده‌اند. تا به امروز شناخت معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی در نواحی کرمان به پژوهش‌های واندنبرگ در دهه‌ی ۶۰ سده‌ی بیستم میلادی محدود می‌شود. در این نوشتار چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد که در جنوب غربی استان کرمان و در شهرستان ارزوئیه قرار دارند، با توجه به یافته‌های نوین از این دو محوطه‌ی مذهبی، مورد گونه‌شناسی معماری و مذهبی قرار گرفته‌اند. نگارندگان در این پژوهش سعی کرده‌اند تا در ابتدا نوع معماری این دو بنا را مطالعه کرده و سپس در مقایسه و همسان‌سازی با سایر سازه‌های مشابه و منابع مکتوب زرتشتی کیفیت مذهبی آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این موضوع است که برخی چهارطاقی‌ها مانند چهارطاقی‌های مورد مطالعه در این مقاله می‌توانند صرفاً جایگاه آتش‌دادگاه باشند. این تحقیق از این منظر می‌تواند مورد اهمیت باشد که ضمن معرفی ویژگی‌های معماری نویافته از این چهارطاقی‌ها، کاربری نوینی برای آن‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: دوره‌ی ساسانی، چهارطاقی، کرمان، رحمت‌آباد، علی‌آباد شمشیربر.

مقدمه

ناحیه‌ی کرمان یکی از نخستین نواحی بود که توسط اردشیر پاپکان فتح گردید و در سده‌های نخستین اسلامی نیز یکی از آخرین پناهگاه‌های پیروان آیین زرتشتی به شمار می‌رفت. امروزه می‌توان به این نکته پی برد که بناهای منتسب به مذهب دوره‌ی ساسانی از منظر ویژگی‌های معماری مانند پلان بسیار با یکدیگر متفاوت بوده و تنها اشتراک آن‌ها در وجود سازه‌ی چهارطاق است که آن نیز تنها در فرم کلی قابل تشبیه می‌باشد. در دهه‌ی اخیر کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی که در محوطه‌های شمال شرقی ایران و نواحی ترکمنستان مانند بندیان (Rahbar 1998: 213-250 ; 2004: 7-30)، مله حیرم (Kaim, 2002: 215-230 ; 2004: 325-) و خانه دیو (هاشمی‌زرچ‌آباد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹-۹۲ ؛ Hashemi & Kaim, 2010: 603-612 ; Kaim & Bakhtiari & Hashemi, 2010: 543-551) و همچنین در غرب ایران مانند شیان (رضوانی، ۱۳۸۴)، پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۹ ؛ Khosravi, Alibaigi and Rahbar, 2018: 269-270)، میل میله گه (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۸۳) و جولیان (محمدی فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۷۷-۸۸) صورت گرفته، جلوه‌های نوینی از معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی را آشکار ساخته است. بر اساس همین یافته‌ها می‌توان این‌گونه بیان نمود که معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی در

بازه‌های مکانی گوناگون دارای تفاوت‌های معناداری بوده که شاید برگرفته از گوناگونی فرهنگ مذهبی این دوره باشد. تاکنون در استان کرمان هفت چهارطاقی منتسب به دوره‌ی ساسانی شناخته‌شده که سه مورد آن‌ها شامل چهارطاقی‌های نگار در بردسیر، بردجین در بافت (Vanden Berghe, 1965: 137-144) و میرآباد امام‌قلی در ریگان (Fazel & Mohammadifar, 2019) و چهار سازه‌ی علی‌آباد شمشیربر، رحمت‌آباد، سلطان‌آباد (Vanden Berghe, 1961: 194-195) و ده شیخ (Vanden Berghe, 1965: 137) در شهرستان ارزوئیه قرار گرفته است. چهارطاقی‌های قرارگرفته در شهرستان ارزوئیه به سبب دوردست بودن منطقه از دامنه‌ی مطالعاتی مناسبی برخوردار نبوده و تنها پژوهش‌های علمی میدانی صورت گرفته بر روی آن‌ها به لویی واندنبرگ مربوط می‌شود. با توجه به ثبت ملی چهارطاقی‌های شهرستان ارزوئیه در اواسط دهه‌ی هشتاد خورشیدی و عملیات‌های آواربرداری، پاک‌سازی و مرمت که بر روی این چهارطاقی‌ها صورت گرفته، می‌توان به این نکته پی برد که بقایای امروزی این آثار بخشی از مجموعه‌های بزرگ‌تری بوده که ویران شده است. در این نوشتار سعی گردیده تا بر اساس یافته‌های نوینی که از این آواربرداری و پاک‌سازی‌ها به‌دست آمده، ضمن مطالعه‌ی معماری دو بنای علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد، کاربری و ارزش

مذهبی این دو چهارطاقی موردسنجش قرار گیرد.

شبهات‌های ساختاری میان آن‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرد.

پرسش‌های پژوهش

نگارندگان در این پژوهش سعی دارند به این پرسش‌ها پاسخ دهند که در ابتدا کیفیت و پیچیدگی‌های به‌کاررفته در سازه‌های مذهبی مورد مطالعه نسبت به سایر سازه‌های مشابه در مناطق هم‌جوار و دوردست چگونه بوده؟ و سپس اینکه چگونه می‌توان بر اساس ساختارهای معماری این سازه‌ها، میان آن‌ها رابطه‌ای فرهنگی-مذهبی یافت و این آثار چه جایگاهی را در میان بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی دارا هستند؟

روش‌شناسی پژوهش

این نوشتار بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و از منظر ماهیت و روش تحقیق به‌صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد، همچنین روش گردآوری داده‌ها در آن میدانی-کتابخانه‌ای بوده و به این شکل است که در ابتدا به‌صورت میدانی و با بررسی‌های باستان‌شناختی سازه‌های مدنظر مورد مشاهده و مطالعه قرار گرفته تا کمیت و کیفیت ساختار آن‌ها به‌درستی مشخص گردد، سپس با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سعی شده تا داده‌های حاصل از مرحله‌ی نخست با سایر سازه‌های مشابه و منابع مکتوب مرتبط سنجش و مقایسه گردد و درنهایت تفاوت‌ها و

موقعیت جغرافیایی

شهرستان ارزوئیه که تا سال ۱۳۸۹ یکی از بخش‌های شهرستان بافت محسوب می‌شد، در جنوب غربی استان کرمان قرار گرفته و شامل دو بخش مرکزی و صوغان است. ارزوئیه از شمال به شهرستان بافت، از جنوب و غرب به محدوده شهرستان حاجی‌آباد استان هرمزگان و از شرق و شمال شرق به ترتیب به محدوده شهرستان‌های فاریاب و جیرفت محدود می‌شود. بر اساس پهنه‌بندی اقلیمی استان کرمان، ارزوئیه در محدوده گرمسیری استان کرمان واقع شده و دارای آب‌وهوای بری شدید، خشک، گرم تا معتدل و همچنین بری، نیمه‌خشک، معتدل تا خنک است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان، ۱۳۸۳: ۳۶۸). چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد در مجاورت روستاهایی به همین نام در بخش مرکزی شهرستان ارزوئیه قرار گرفته‌اند. چهارطاقی علی‌آباد با مختصات جغرافیایی «40R441590E3135406N» در حدود ۸۰۰ متری خط مستقیم جنوب غرب روستای علی‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان ارزوئیه استان کرمان و در ارتفاع ۱۰۳۳ متری از سطح دریا واقع شده است. برای رسیدن به چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر از مسیر آسفالت

جنوب شرقی ارزوئیه به سمت روستای علی‌آباد رفته و پس از طی حدوداً ۱۳ کیلومتر به روستای علی‌آباد شمشیربر رسیده، سپس با طی مسیر تقریبی ۸۰۰ متری در جاده‌ی خاکی میان مزارع عموماً ذرت و در جهت جنوب غرب روستا به چهارطاقی علی‌آباد خواهیم رسید. چهارطاقی علی‌آباد در بین توده‌ای از آوار و خاک در فاصله‌ی ۱۶۰ متری از مسیر خاکی و در مرز میان زمین‌های زراعی و شوره‌زارهای اطراف روستا قرار گرفته است. چهارطاقی رحمت‌آباد نیز با مختصات جغرافیا «40R446474E3131910N» و ارتفاع ۱۰۴۳ متری از سطح آب‌های آزاد بافاصله‌ی شش کیلومتری خط مستقیم در جنوب شرقی چهارطاقی علی‌آباد و در میان زمین‌های کشاورزی پیرامون روستای رحمت‌آباد قرار گرفته است. برای دست‌یابی به چهارطاقی رحمت‌آباد، پس از گذر از روستای علی‌آباد و طی تقریبی سه کیلومتر به سمت شرق، به روستای رحمت‌آباد رسیده و پس از خروج از روستا و به فاصله‌ی ۸۰۰ متری در جهت جنوب به مسیر فرعی میان مزارع ذرت روستا و در جهت شرق تغییر مسیر داده و با طی ۲/۵ کیلومتر در مسیر خاکی و دور زدن یک سلسله جبال که به کوه رحمت‌آباد مشهور است، به چهارطاقی رحمت‌آباد دست خواهیم یافت (تصویر ۱).

پیشینه‌ی پژوهشی

به‌طور کلی کامل‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته بر روی چهارطاقی‌های ناحیه‌ی کرمان متعلق به لویی واندنبرگ بوده که آن نیز در نوع خود علی رقم ارزش‌هایی که دارد، از نواقص بسیار زیادی نیز برخوردار است. چهارطاقی‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد علی رقم اینکه در سال‌های اخیر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، اما تا به امروز از مطالعه‌ی میدانی دقیق و علمی بی‌بهره بوده و حتی در هنگام ثبت نیز از منظر علم باستان‌شناسی به آن‌ها پرداخته نشده است. چهارطاقی علی‌آباد که تحت نام علی‌آباد شمشیربر با شماره‌ی ۳۰۳۱۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده تاکنون تنها توسط لویی واندنبرگ مورد مطالعه‌ی میدانی و معرفی قرار گرفته (Vanden Berghe, 195: 1961) و در سال‌های بعد نیز افرادی مانند کلاوس شیپمان (Schippmann, 1971: 79) و نامجو (نامجو، ۱۳۹۰: ۲۸۶) بر اساس گزارشات واندنبرگ اقدام به معرفی این چهارطاقی نموده‌اند. واندنبرگ که به‌صورت مختصر و تنها در چند خط به بیان مختصات معماری چهارطاقی پرداخته، چهارطاقی را از نوع چهارطاقی‌های دارای راهروی پیرامونی معرفی کرده است (Vanden Berghe, 1961: 195). چهارطاقی رحمت‌آباد نیز که از منظر مطالعات میدانی دارای وضعیت حتی ناقص‌تر از سازه‌ی علی‌آباد می‌باشد به شماره‌ی ۳۰۳۲۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. واندنبرگ این بار

به سبب وجود الحاقات معماری داخل سازه، تنها در چند خط اقدام به معرفی کلی و ذکر ابعاد بیرونی آن نموده (Ibid: 194-195) و شیپمان در کتاب آتشکده‌های ایران (Schippmann, 1971: 80) و نامجو در رساله‌ی دکترای خود (نامجو، ۱۳۹۰: ۲۸۵) مجدداً به نوشته‌های وی ارجاع داده است. واندنبرگ از چهارطاقی رحمت‌آباد با عنوان یک چهارطاقی که بر اساس شواهد موجود در ضلع جنوبی آن، احتمالاً دارای راهرو بوده نام می‌برد، اما در هنگام ذکر مشخصات معماری و ابعاد آن به اندازه‌ی راهروی احتمالی اشاره‌ای نمی‌کند (Vanden Berghe, 1961: 194-195 ; 1984: 221). همچنین لازم به ذکر است که اخیراً ریاحیان گهرتی نیز با بازنشر اطلاعات پرونده‌ی ثبتی فهرست آثار ملی میراث فرهنگی، بدون ارائه‌ی پیشنهادی در رابطه با کاربری چهارطاقی‌های مذکور، اقدام به بیان مشخصات کلی چهارطاقی‌های ارزوئیه کرده (ریاحیان گهرتی، ۱۳۹۸: ۱۳۱۳-۱۳۲۸) و زبان‌آور و همکاران نیز در مورد سکوی یافت شده در چهارطاقی علی‌آباد پیشنهادهایی را مطرح نموده‌اند (زبان‌آور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵-۹۶).

چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر

چهارطاقی علی‌آباد که در زمان واندنبرگ نیز طاق و بخشی از جرزهای شرقی آن فروریخته

بود، در سال‌های اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی کرمان مورد مرمت قرار گرفته و طاق تخریب‌شده و بخش‌های فروریخته‌ی جرزها موردبازسازی قرار گرفته است. همچنین از دیگر مواردی که در هنگام انجام مرمت، بر روی چهارطاقی اعمال گشته آواربرداری از جوانب بیرونی بنا و بخش محدودی از قسمت داخلی می‌باشد که سبب گشته تا پلان این سازه تا حدود قابل ملاحظه‌ای مشخص و نمایان گردد. در حال حاضر به جز گنبد بنا که به صورت کامل ویران شده و طاق غربی که از وضعیت ثابتی برخوردار نیست، سه طاق دیگر در شرایط نسبتاً قابل قبولی هستند.

پلان و ابعاد: ابعاد کلی توده‌ای که چهارطاقی بخشی از آن را تشکیل می‌دهد در حدود ۶۲*۶۶ متر و ارتفاع آن نیز به طور متوسط به ۲ متر می‌رسد (تصویر ۲). چهارطاقی در قسمت جنوب شرقی تپه واقع شده و محور قرارگیری آن ۹ درجه از جهت‌های چهارگانه‌ی اصلی انحراف زاویه دارد. در حال حاضر و با توجه با مرمت و آواربرداری‌های صورت گرفته و همچنین تصاویر ماهواره‌ای، می‌توان این گونه بیان نمود که چهارطاقی از نوع سازه‌های با پلان پیچیده بوده و علاوه بر راهرو دارای الحاقات دیگری نیز می‌باشد (تصویر ۳).

هر یک از اضلاع چهارطاقی از بیرون در حدود ۱۰/۳۰ متر و از داخل ۶/۸۰ متر طول دارد.

جرزهای بنا نیز از نمای بیرون در حدود ۳ متر و در داخل ۲ متر ضخامت دارند، همچنین ارتفاع آن‌ها در حدود ۶ متر می‌باشد. در رابطه با طاق‌های این چهارطاقی با توجه به این موضوع که همچنان بخش‌های تحتانی طاق‌های این سازه با آوار پوشیده شده، به صورت تخمینی می‌توان این‌گونه بیان نمود که هر یک از طاق‌ها در حدود ۴/۳ متر پهنا و ۵/۴ متر ارتفاع دارند. در مجاورت اضلاع شمالی و جنوبی بنا آثاری از جرز به چشم می‌خورد که ارتفاع بقایای آن به یک متر می‌رسد. فاصله‌ی این برجستگی‌ها از چهارطاقی در حدود ۲/۲۰ متر بوده که می‌توان آن را دلالت بر وجود راهروی پیرامونی بین چهارطاقی و این جرزها دانست (تصویر ۴). در ضلع جنوبی در حال حاضر شش برجستگی به چشم می‌خورد که تمام این برجستگی‌ها دارای طول یکسان و به‌اندازه تقریبی ۱/۵۵ متر و پهنای متفاوت هستند. برجستگی جنوب غربی که خارج از محدوده‌ی اضلاع چهارطاقی قرار دارد ۷۰ سانتیمتر عرض داشته و با فاصله‌ی ۱ متری از آن برجستگی دوم قرار دارد که به‌طور تقریبی موازی با جرز جنوب غربی چهارطاقی بوده و ۱/۷ متر عرض دارد. برجستگی سوم با فاصله‌ی ۲/۱ متری از برجستگی دوم و با عرض ۱ متر و برجستگی چهارم نیز با فاصله‌ی ۱/۸ متری از برآمدگی سوم در حدود ۹۵ سانتیمتر پهنا دارد. این دو برجستگی به‌طور تقریبی مجاور با طاق جنوبی و موازی با میانه‌ی

طاق واقع شده‌اند. دو برآمدگی بعدی دارای تخریب بیشتری بوده و در حال حاضر دارای ارتفاع کمتری هستند. برجستگی پنجم که موازی با جرز جنوب شرقی چهارطاقی است در حدود ۱/۴۵ متر پهنا داشته و با برجستگی چهارم ۱/۹ متر فاصله دارد و در نهایت ششمین برآمدگی که ارتفاع کمی از آن باقیمانده در حدود یک متر با برجستگی پیش از خود فاصله داشته و به‌طور تقریبی ۷۰ سانتیمتر ضخامت داشته و به‌مانند نخستین برجستگی خارج از محدوده‌ی اضلاع چهارطاقی قرار دارد. در ضلع شمالی نیز با وجود آوار، می‌توان حداقل چهار برجستگی مشابه چهار برجستگی ضلع جنوبی را تشخیص داد (تصویر ۵). برای تعیین کاربری و نوع کاربرد این برجستگی‌ها که در اضلاع شمالی و جنوبی به چشم می‌خورد، بر اساس بقایای موجود در ضلع شمال غربی چهارطاقی رحمت‌آباد و برجستگی‌های موجود در این قسمت که با ورودی یک تالار و همچنین طاق‌های راهروی پیرامونی در ارتباط هستند، می‌توان این احتمال را مطرح نمود که احتمالاً در دو ضلع شمالی و جنوبی چهارطاقی علی‌آباد تالار و یا تالارهایی وجود داشته که امروزه آثار آن‌ها در زیر آوار مدفون گشته است. همچنین در میانه‌ی چهارطاقی و نزدیک به طاق شرقی بنا، می‌توان بقایای یک سکوی سنگی و گچی را مشاهده نمود (تصویر ۶). به نظر می‌رسد که این سکو

حداقل در حدود ۰/۶ متر ارتفاع داشته باشد. به سبب وجود آوار بر روی سایر قسمت‌های این سکو، ابعاد دقیق آن را نمی‌توان تخمین زد.

مصالح و فن ساخت: مصالح شامل سنگ و گچ بوده و روش ساخت جرزها نیز به این شیوه است که سنگ‌های بزرگ‌تر را از سمت هموار رو به بیرون نهاده و میان آن‌ها را با ملاط فراوان گچ و قلوه‌سنگ‌های کوچک‌تر پر کرده‌اند. با توجه به بقایای ضلع جنوبی چهارطاقی می‌توان کیفیت و چگونگی اجرای گنبد را دریافت. پس از اتمام جرزها و بستن طاق‌های بنا که در آن‌ها از قوس چیار (قوس خاکی) استفاده شده، در فضای روی طاق با یک عقب‌گرد از نمای بیرونی جرزها، مربع کوچک‌تری بر روی مربع اصلی تشکیل داده و با استفاده از قلوه‌سنگ‌های کوچک و ملاط گچ اقدام به فیلیپوش سازی نموده‌اند، همچنین در فضای داخلی این مربع و در بالای طاق‌ها تورفتگی ایجاد شده تا برای تبدیل به مدور شدن فضای مربع در قسمت‌های فوقانی کمک بیشتری نماید. با وجود اینکه امروزی تنها بقایایی از فیلیپوش‌های ضلع جنوبی بنا باقیمانده، اما با توجه به آوار موجود در داخل بنا می‌توان این احتمال را مطرح نمود که گنبد بنا نیز به‌مانند عموم چهارطاقی‌های دوره‌ی ساسانی از سنگ ساخته شده بود. در ساخت چهارطاقی علی‌آباد برای نمای بیرونی به‌صورت بندکشی و برای نمای داخلی با توجه به شواهد موجود در برخی

قسمت‌ها که دست‌نخورده باقی‌مانده به‌صورت اندود از ملاط گچ استفاده شده است. برای ساخت جرزهای مجاور راهروهای جنوبی و شمالی نیز از روش ساخت جرزهای چهارطاقی بهره برده و سنگ‌های بزرگ را از سمت هموار رو به بیرون قرار داده و بین آن‌ها را با ملاط فراوان گچ و قلوه‌سنگ‌های کوچک پر کرده‌اند.

محوطه‌های پیرامونی: با توجه به اینکه محیط پیرامونی چهارطاقی علی‌آباد توسط زمین‌های زراعی احاطه شده، در مورد محوطه‌های پیرامونی سازه نمی‌توان به‌طور دقیق اظهار نظر نمود، اما در فاصله‌ی ۱۱۰ متری جنوب غربی چهارطاقی تپه‌ای دارای سفال‌های اواخر تاریخی تا اوایل اسلامی به چشم می‌خورد که آثار معماری سنگی و خشتی را نیز بر روی آن می‌توان مشاهده نمود. ابعاد کلی تپه در حدود ۱۷۴*۸۵ متر بوده که حداقل در فضایی به ابعاد ۷۰*۷۰ متر بقایای معماری را می‌توان رؤیت نمود. همچنین در فاصله‌ی تقریبی ۷۵۰ متری شمال غرب چهارطاقی تپه‌ای با ابعاد ۳۳۰*۱۷۵ متر وجود دارد که بر روی آن علاوه بر سفال‌های دوران تاریخی بقایایی از معماری سنگی را نیز در قسمت‌های فوقانی می‌توان مشاهده نمود (تصویر ۷).

چهارطاقی رحمت‌آباد

وضعیت کنونی چهارطاقی به این شکل بوده که فواصل میان طاق‌ها در دوران پس از اسلام با استفاده از قلوه‌سنگ تا ارتفاع ۱/۲ متری و سپس با خشت‌هایی به ابعاد ۲۱*۲۱*۴ سانتیمتر پرشده، از بیرون در هر طاق، در قسمت‌های فوقانی دریچه‌هایی ایجادشده و از داخل با استفاده از طاق‌های ضربی خشتی طاق‌ها به‌صورت دوطبقه‌ی پرشده درآمده‌اند (تصویر ۸). به‌جز الحاقاتی که فاقد ارزش معماری هستند، سازه در قسمت گنبد دچار تخریب‌شده اما طاق‌های آن حفظ‌شده است. همچنین در سال‌های اخیر نمای بیرونی بنا مورد مرمت کلی قرارگرفته است (تصویر ۹).

پلان و ابعاد: با توجه به اینکه زمین‌های کشاورزی حریم محوطه‌ی چهارطاقی را مورد تعرض قرار داده و تخریب کرده‌اند، بیان ابعاد دقیق محوطه‌ی چهارطاقی ناممکن به نظر می‌رسد اما بر اساس شواهدی که امروز از بقایای ساخت‌وساز در پیرامون چهارطاقی به چشم می‌خورد می‌توان ابعاد تقریبی محوطه‌ی چهارطاقی رحمت‌آباد را که امروزه به‌صورت مثلثی شکل است ۹۷*۷۶*۷۲ متر بیان نمود که چهارطاقی به‌صورت تقریبی در وسط این محوطه قرار دارد (تصویر ۱۰).

برای ساخت چهارطاقی ابتدا اقدام به صفا سازی شده و سپس چهارطاقی و راهروی پیرامونی آن بر روی صفا بناشده است. محور چهارطاقی ۲۸

درجه نسبت به جهت‌های اصلی اختلاف داشته و هر یک از اضلاع بیرونی آن در حدود ۸/۹۰ متر طول دارند، همچنین اضلاع داخلی آتشکده و بدون در نظر گرفتن وجود الحاقات دوره‌ی اسلامی در حدود ۶/۹۰ متر درازا داشته است. هر یک از جرزه‌های سازه از بیرون در حدود ۱/۹۰ متر و از داخل ۱ متر ضخامت و دارای ارتفاع تقریبی ۴/۶۰ متر هستند. طاق‌های بنا نیز در حدود ۵/۱۰ متر پهنا ۴ متر ارتفاع دارند. داغی‌هایی در ارتفاع ۲/۲۵ متری ضلع شمال غربی و ۲/۱۰ متری ضلع جنوب شرقی به چشم می‌خورد که به‌احتمال فراوان مربوط به طاق‌های راهروی پیرامونی چهارطاقی هستند (تصویر ۱۱). بر اساس شواهد موجود از بقایای دیوار راهرو به نظر می‌رسد که راهروی پیرامونی در حدود ۱/۶ متر پهنا داشته است. در اطراف چهارطاقی بقایای معماری سنگی قابل‌مشاهده است که نشان از وجود فضاهای دیگری دارد که با چهارطاقی در ارتباط مستقیم بوده‌اند. یکی از این فضاهای معماری قابل‌تشخیص فضای معماری شمال غرب چهارطاقی می‌باشد که به راهروی پیرامونی در این ضلع متصل بوده است (تصویر ۱۲).

این فضای معماری در حدود ۱/۳ متر از سطح راهروی پیرامونی پایین‌تر بوده، بقایای دیوار بیرونی آن امروزه در حدود ۱۵ متر طول و یک متر ضخامت داشته و حداقل سه تالار یا اتاق را می‌توان در این فضای معماری مشاهده نمود.

تالار میانی که ابعاد آن به دلیل وجود بقایای معماری قابل اندازه‌گیری و تشخیص است، توسط پلکانی به صورت مستقیم به راهروی پیرامونی و چهارطاقی متصل بوده دارای ابعاد $۳/۹۰ * ۵/۳۵$ متر می‌باشد. همچنین فضای احتمالی پلکان این تالار در حدود $۱/۹۰$ متر پهنا دارد. هم‌اکنون تنها بخش‌هایی از دو تالار پیرامونی که هم‌عرض تالار میانی هستند قابل مشاهده است. تالار جنوبی که بر اساس دیوارهای بیرونی و صغه‌ی چهارطاقی، حداقل $۶/۶$ متر از طول آن قابل تشخیص است، به نظر می‌رسد که فاقد دسترسی مستقیم به راهروی پیرامونی و چهارطاقی بوده و احتمالاً ورودی آن در ضلع جنوبی اتاق و رو به خارج بوده است. همچنین تالار شمالی نیز که در حال حاضر در حدود ۳ متر از طول آن قابل مشاهده می‌باشد احتمالاً به مانند تالار جنوبی فاقد دسترسی مستقیم به چهارطاقی بوده و مدخل ورودی آن در قسمت شمالی قرار داشته است. از دیگر بقایای معماری قابل ذکر در محوطه‌ی چهارطاقی رحمت‌آباد می‌توان به رشته دیوارهای منفصلی اشاره نمود که از نظر فن ساخت مشابه با چهارطاقی هستند و در فواصل ۱۰ متری از اضلاع جنوب شرق و شمال شرقی چهارطاقی قرار گرفته‌اند.

مصالح و فن ساخت: مصالح و فن ساخت در چهارطاقی رحمت‌آباد کاملاً با مجموعه‌ی

علی‌آباد مشابه است. مصالحی که برای ساخت چهارطاقی و فضاهای پیرامونی آن به کاررفته شامل سنگ‌های آهکی سفیدرنگ و ملاط گچ می‌باشد. روش کار نیز به این گونه بوده که ابتدا با استفاده از قلوه‌سنگ و گچ اقدام به صغه سازی شده و سپس چهارطاقی و راهروی پیرامونی آن بر روی صغه احداث گردیده است. برای ساخت جرزهای سازه، لاشه‌سنگ‌ها را از سمت هموار رو به بیرون گذاشته و میان آن‌ها را با سنگ‌های کوچک‌تر و ملاط گچ فراوان پر کرده‌اند، در بستن طاق‌های چهارطاقی رحمت‌آباد نیز به مانند چهارطاقی علی‌آباد از قوس چیار استفاده شده است. فیلیپوش سازی در بنا با استفاده از سنگ انجام شده و بر اساس مشاهده بقایای قسمت تحتانی گنبد می‌توان این گونه پنداشت که گنبد بنا سنگی بوده است، در اجرای گنبد ابتدا با یک عقب رفتگی، بر روی جرزها یک مربع کوچک‌تر تشکیل داده که ارتفاع تقریبی آن یک متر بوده و سپس اقدام به فیلیپوش سازی و اجرای گنبد نموده‌اند. برای ساخت راهروی پیرامونی نیز از روشی که در آتشکده‌هایی مانند کنارسیاه و نگار به کاررفته استفاده شده است، بدین ترتیب که در اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی که احتمالاً فضاهای معماری پیوسته‌ای قرار داشته از طاق‌های گهواره‌ای کوتاه‌تر و متصل به قسمت‌های میانی جرزها استفاده شده و در اضلاع شمال شرقی و جنوب غربی از طاق‌های

گهواره‌ای بلندتر که بر روی جرزها و متصل به عقب رفتگی گنبد خانه بسته شده بودند استفاده گردیده است. از همین رو و با توجه به اینکه در دوران اسلامی نیز مدخل ورودی بنا در ضلع شمال شرقی ایجاد شده، این احتمال را می‌توان بیان نمود که شاید ورودی اصلی آتشکده در یکی از اضلاع شمال شرقی یا جنوب غربی که احتمالاً فاقد فضاهای معماری متصل بوده و طاق‌های بزرگ‌تر در آنجا بنا شده، قرار داشته است. تالارهای متصل قسمت شمال غربی آتشکده در مجاورت صغه ساخته شده و بر اساس شواهدی که در مقابل طاق چهارطاقی در این ضلع قابل مشاهده است، احتمالاً این تالار میانی به وسیله‌ی درگاهی سنگی و با طاق نیم بیضوی به راهروی پیرامونی متصل بوده است. با توجه به اینکه قسمت‌های تحتانی ابتدا و انتهای اضلاع و همچنین بقایای پایینی طاق ورودی تالار باقی مانده، شاید بتوان این فرضیه را طرح نمود که ابتدا این قسمت‌ها با استحکام بیشتر بسته شده و سپس سایر مراحل احداث راهروی پیرامونی بر روی درگاه‌های اجرا شده که از استحکام این قسمت‌های خاص برخوردار نبوده است.

محوطه‌های پیرامونی: در فاصله‌ی حدوداً ۲۰۰ متری غرب چهارطاقی و بر دامنه‌ی کوه رحمت‌آباد بقایایی از معماری خشتی و سنگی به چشم می‌خورد که با توجه با ظاهر و ابعاد این بقایا، سازه‌ی مذکور را می‌توان یک قلعه تصور

نمود. با توجه به نوع سفال‌های یافت شده در محوطه که عموماً بازه‌ی زمانی اواخر ساسانی - اوایل اسلامی را شامل می‌شود و همچنین نوع مصالح و فن ساخت در قسمت معماری سنگی بنا که با چهارطاقی قابل مقایسه است، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که این قلعه با چهارطاقی هم‌زمان و شاید مرتبط بوده است. همچنین یک گورستان در ارتفاعات جانب شمالی چهارطاقی به چشم می‌خورد که دارای گورهای معروف به سنگ‌چین می‌باشد. با وجود اینکه گورهای سنگ‌چین ناحیه‌ی کرمان را به دوران تاریخی نسبت می‌دهند، اما به علت فقدان شواهد باستان‌شناختی از داخل گورها، نمی‌توان برای آن‌ها تاریخ‌گذاری مشخصی را مطرح نمود.

مقایسه و تعیین کاربری

چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد از نظر ابعاد بیرونی در بین چهارطاقی‌های ناحیه‌ی کرمان در رده‌ی چهارطاقی‌های میانی قرار می‌گیرند (جدول ۱)، ضمن آنکه در بین چهارطاقی‌های ساسانی که تاکنون در ایران مورد شناسایی قرار گرفته‌اند نیز به‌طور تقریبی از گونه‌ی چهارطاقی‌های میانی رو به کوچک هستند (جدول ۲). در ناحیه‌ی ارزوئیه که تا به امروز حداقل چهار چهارطاقی به دوره‌ی ساسانی منتسب شده، هر یک آن‌ها نسبت به چهارطاقی مجاور خود فاصله‌ی کمی دارند، به‌طوری‌که

فاصله‌ی چهارطاقی ده شیخ تا سلطان‌آباد کمتر از دوازده کیلومتر، سلطان‌آباد از علی‌آباد در حدود ۱۶ کیلومتر و فاصله‌ی چهارطاقی علی‌آباد از رحمت‌آباد کمتر از شش کیلومتر به صورت خط مستقیم است. همچنین بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، تمامی این چهار محوطه دارای چهارطاقی‌هایی با فضاهای معماری پیرامونی هستند. بر اساس مقایسه‌ی مواردی همچون شیوه‌ی مرسوم ساخت جرزها در چهارطاقی‌های ساسانی که شامل قرار دادن لاشه‌سنگ‌های بزرگ از سمت صاف و هموار آنها رو به بیرون و پر کردن بین آنها با قلوه‌سنگ‌های کوچک‌تر و ملاط گچ نیم‌کوب است (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)، نوع قوس به کاررفته در طاق‌ها، فن ساخت گنبد و چپیره سازی و در نهایت ابعاد چهارطاقی‌ها که چهارطاقی‌های شمال دشت ارزوئیه از نظر ابعاد، دارای اندازه‌هایی نزدیک و شبیه به یکدیگر بوده و در حدود دو متر بزرگ‌تر از چهارطاقی ده شیخ هستند، می‌توان این چنین تصور نمود که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر، رحمت‌آباد و سلطان‌آباد در یک بازه‌ی زمانی هم‌زمان ساخته و مورد استفاده بوده‌اند، ضمن آنکه بر اساس وجود تشابهات فراوان در هر سه چهارطاقی می‌توان این‌گونه قلمداد نمود که احتمالاً کاربری هر سه بنا تا حدود زیادی مشابه و یکسان بوده است. با توجه به دخل و تصرفاتی که در چهارطاقی رحمت‌آباد صورت گرفته، تنها نکته‌ی بارز

قابل ذکر از جزئیات بنا این مورد است که مجموعه علاوه بر چهارطاقی دارای الحاقاتی همچون راهرو و فضاهای معماری پیرامونی بوده است، اما نویافته‌های باستان‌شناختی در چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر چند نکته را روشن می‌سازد. نکته‌ی نخست راهروی پیرامونی و فضاهای معماری در دو سمت شمالی و جنوبی بنا می‌باشد که بقایای درگاه‌های اتاق‌های احتمالی کاملاً با درگاه‌های فضاهای معماری پیرامونی مجموعه‌ی رحمت‌آباد قابل مقایسه می‌باشد. مورد دوم وجود سکو در داخل چهارطاقی و متمایل به ضلع شرقی بنا است. از میان محوطه‌های هم‌جوار می‌توان سکویی مشابه را در محوطه‌ی سلطان‌آباد مشاهده نمود که احتمال تشابه کاربری میان این دو محوطه را بیش‌ازپیش بالا می‌برد (تصویر ۱۳)، ضمن آنکه در محوطه‌ی چهارطاقی میل نقاره‌خانه در حاجی‌آباد فارس نیز چنین عنصر معماری به‌دست آمده است (Azarnoush, 1994: 26) و این محوطه نیز به‌مانند چهارطاقی‌های مورد مطالعه در این پژوهش علاوه بر چهارطاق دارای راهرو و فضاهای معماری الحاقی می‌باشد (Ibid). در مورد چهارطاقی‌های مورد مطالعه در این پژوهش دو موضوع قابل بحث و پیگیری است، موضوع نخست ماهیت سازه‌ی معماری چهارطاقی بوده که به‌طور کلی دارای چه کاربردی می‌باشد و موضوع دوم ارزش مذهبی

نظریات خود را بیان کرده‌اند. دیتریش هوف نیز این نظریه را مطرح ساخت که آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های ساسانی دارای راهروی پیرامونی و یا اتاق‌های محصور بوده و آتشکده‌های منفرد امروزی ساسانی نیز در گذشته راهروی پیرامونی داشته‌اند و سایر سازه‌های فاقد راهرو مربوط به ساییان‌ها و قبور دوران اسلامی می‌باشد (هوف، ۱۳۶۶: ۴۰۰-۴۰۱؛ Huff 1972: 530 ; 1975: 247). این نظریه توسط افرادی مانند شیپمان (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰)، واندنبرگ (Vanden Berghe 1984: 204) آذرنوش (Azarnoush 1989: 651-662) و بوشارلا (Boucharlat, 1999: 68-70) پشتیبانی شده است. همچنین در مورد طریقه‌ی نگهداری آتش در این نوع آتشکده‌ها با وجود اعتقاد برخی مانند گروپ به دائمی بودن نگهداری آتش در محل به صورت پیوسته (Gropp 1969: 166-167)، برخی دیگر مانند بویس بر این اعتقاد هستند که آتش مقدس قابل انتقال بوده و احتیاجی به نگهداری آتش در محل آتشکده و به صورت دائمی نبوده است (Boyce 1975: 454). با توجه به پلان چهارطاقی‌های مورد مطالعه در این نوشتار می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد بر اساس راهروی پیرامونی، فضا‌های معماری الحاقی و چهارچوب ارائه‌شده در رابطه با چهارطاقی‌های دارای راهروی پیرامونی، کاربری

چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد است که چه نوع آتش احتمالی در آن‌ها نگهداری می‌شده است. آندره گدار یکی از نخستین افرادی بود که در زمینه‌ی آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های دوره‌ی ساسانی در اواخر دهه‌ی سی میلادی اطلاعاتی را منتشر ساخت، اندکی پس از گدار، اردمان نیز در حدود سال ۱۹۴۱ میلادی، اقدام به انتشار مطالبی در این رابطه نمود. هر دو نفر بر این اعتقاد بودند که چهارطاقی‌ها بیش‌ازآنکه سازه‌ی اصلی باشند، به‌عنوان فضایی سرپوشیده بر روی آتشدان‌هایی که در گذشته در فضای باز بودند، قرار گرفته‌اند (گدار، ۱۳۸۷: ۱۸؛ Erdmann 1941: 64-65). همچنین این‌دو به جدایی محل نگهداری آتش از محل عبادت آن معتقد بودند. گدار چهارطاقی‌های راهرو دار را به‌عنوان نیایشگاه آتش شناخته است و اعتقاد داشت که چهارطاقی‌های فاقد راهرو نقش میل راهنما را داشته‌اند (گدار، ۱۳۸۷: ۷۷). نظریه‌ی جدایی محل نگهداری آتش از محل عبادت آن، در سال‌های بعد توسط افرادی مانند مری بویس مورد نقد و مخالفت قرار گرفت (Boyce 1975: 464-465). در دهه‌های شصت و هفتاد سده‌ی بیستم میلادی، واندنبرگ با بررسی‌های میدانی تعداد قابل توجهی از چهارطاقی‌های ساسانی را مطالعه کرد (Vanden Berghe 1961 ; 1965 ; 1977 ; 1984) که عموم پژوهشگران دیگر مانند شیپمان و هوف با استفاده از تحقیقات واندنبرگ

مذهبی داشته‌اند، اما نکته‌ی قابل‌تأمل ارزش مذهبی این بناها و کیفیت مذهبی آن‌ها می‌باشد که دارای چه رتبه‌ای بوده‌اند. برای تعیین رتبه‌ی این نوع از نیایشگاه‌ها باید آن‌ها را بر اساس نوع آتش و همچنین موقعیت مکانی-اجتماعی آن‌ها تقسیم‌بندی نمود.

تاکنون در آیین زرتشتی سه نوع آتش مقدس شناخته‌شده که به ترتیب مقام شامل آتش بهرام، آتش آدران و آتش دادگاه می‌باشد (Modi, 1922: 211). آتش بهرام که مهم‌ترین آتش در دوره‌ی ساسانی به شمار می‌رفته همواره و به‌صورت پیوسته روشن بوده و از شانزده آتش گوناگون تهیه می‌شده است (بویس، ۱۳۸۹: ۱۴۵). این آتش پس از قرارگیری در مکان خود در زیر گنبد تنها در دسترس موبدان دارای شرایط خاص بوده و افراد دیگر دسترسی به آن نداشته‌اند (تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)، کرتیر در سنگ‌نبشته‌های خود مانند سرمشهد و کعبه‌ی زرتشت به روشن نمودن آتش بهرام در نواحی مختلف ایران اشاره دارد (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳، ۷۳، ۸۸-۹۱؛ Boyce 1979: 115). آتش آدران به‌عنوان دومین نوع آتش مقدس در دوره‌ی ساسانی که آتشی محلی و روستایی بوده از چهار آتش خانگی ایجاد می‌شده و نیازی به پیوسته روشن ماندن آن نبوده است. همچنین مراسم تطهیر و تقدیس آن ساده‌تر از آتش بهرام بوده است (بویس ۱۳۸۹: ۱۴۶). این آتش در شهرها،

محلها و روستاهایی که بیش از ده خانوار زرتشتی سکنه داشته‌اند روشن می‌شده است (دوشن گیمن ۱۳۸۵: ۱۲۲). سومین نوع آتش مقدس که در بین آتش‌های سه‌گانه دارای پایین‌ترین رتبه می‌باشد آتش دادگاه است. این آتش که تنها شامل یک آتش خانگی بوده و توسط روحانی زرتشتی تقدیس می‌شود توسط هر فرد زرتشتی قابل نگهداری و خدمت است (Boyce, 1968: 54). آتش دادگاه در سه مکان قابل نگهداری بوده که شامل آتشکده‌ها، مجاورت دخمه‌ها و خانه‌های اعیانی می‌باشد (اون‌والا، ۱۹۲۲: ۷۱؛ تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱؛ Boyce, 1968: 54). همچنین طبق نظر گروپ و بر اساس نیایشگاه‌های امروزی پارسیان هند و زرتشتیان، سه گروه نیایشگاه یا آتشکده را می‌توان مشخص نمود که گروه نخست با عنوان آگیاری که مرسوم‌ترین نوع نیایشگاه‌ها است شامل فضاهای گنبد داری تحت نام آدوریان می‌شود که در سه یا چهار طرف آن، راهروی پیرامونی قرارگرفته و اتاقی دیگر به نام یزشنگاه گاهی به‌صورت مستقیم و یا توسط راهرو به فضای چهارطاقی متصل شده است. گروه دوم با نام آدوریان شامل فضاهایی گنبد دار با یک راهروی پیرامونی بوده که در یک فضای معماری بزرگ‌تر قرارگرفته و در آن یزشنگاه به چشم نمی‌خورد، و درنهایت سومین گروه از نیایشگاه‌ها فضاهایی هستند که فاقد چهارطاق

بوده و از یک یا چند یزشنگاه (اورویسگاه) تشکیل شده‌اند و با عنوان درمهر شناخته می‌شوند (Gropp, 1969: 148-149). با توجه به شرایط سه طبقه‌ی آتش‌های مقدس، برای درک کاربرد احتمالی این چهارطاقی‌ها، مواردی همچون فاصله‌ی بین سازه‌های مشابه، ابعاد و پیچیدگی مجموعه‌ها، وسعت منطقه‌ی مورد مطالعه و تراکم جمعیت ناحیه و عناصر معماری موجود در چهارطاقی را باید در نظر گرفت. وجود حداقل چهار بنای مذهبی در ناحیه‌ای کوچک و در فواصل بسیار کم نسبت به یکدیگر در ارزشیابی علی‌رقم آنکه می‌تواند نشانگر اعتقاد اکثریت این جامعه‌ی کوچک به آیین غالب دوره‌ی ساسانی باشد، اما پرسشی در مورد تراکم جمعیت و پیچیدگی‌های یکجانشینی در این منطقه را نیز بیان می‌دارد. با توجه به این موضوع که جایگاه آتش بهرام را احتمالاً فضاهای معماری با پیچیدگی‌های آذرگشنسپ یا وسعت و بزرگی محوطه‌ی چهارطاقی آذرگو (مرتضایی و زبان‌آور، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۸۵) می‌توانند پوشش دهند، بنابراین نوع کاربری چهارطاقی‌های ارزشیابی را باید بین نوع دوم و سوم جستجو نمود. تاکنون گزارشی از وضعیت این ناحیه در دوران اواخر ساسانی یا اوایل اسلامی به دست نیامده و حتی طی تصرف نواحی کرمان نیز به ناحیه‌ی ارزشیابی اشاره‌ای نشده است، اما از اشارات جغرافی نویسان سده‌های نخستین اسلامی به

وضعیت کرمان می‌توان به چند مورد پی برد. نخستین مورد اشارات این افراد، شامل شهرها و آبادی‌های ناحیه‌ی کرمان و فارس بوده که در آن به برخی شهرها و آبادی‌های میان نواحی شرقی فارس و غربی کرمان اشاره گردید است. در میان این نواحی یادشده به آبادی حسناباد/خسناباد اشاره گردیده که این مکان در میانه‌ی مسیر سیرجان به دارابگرد قرار داشته (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۱؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۸) و طبق رساله‌ی دهات کرمان در غرب ارزشیابی واقع شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)، بنابراین می‌توان این‌گونه بیان نمود که طبق منابع مکتوب سده‌های نخستین اسلامی ناحیه‌ی ای که امروزه ارزشیابی نامیده می‌شود، منطقه‌ای حاشیه‌ای بوده که راه‌های اصلی از آن عبور نمی‌کرده و احتمالاً از نواحی بزرگ یا پرونق کرمان و یا کوره‌ی سیرجان نبوده است. همچنین افرادی مانند اصطخری (اصطخری ۱۳۷۳، ۱۶۴) و ابن حوقل (ابن حوقل ۱۳۴۵، ۷۵) به این نکته اشاره دارند که شهرها و آبادی‌های ناحیه‌ی کرمان برخلاف فارس با یکدیگر پیوستگی نداشته و میان آن‌ها دشت‌ها و بیابان وجود دارد. چنانچه این نکته را بتوان در رابطه با شهرها و آبادی‌های بزرگ ناحیه‌ی کرمان در نظر گرفت، بنابراین با منطبق سازی منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی که بر طبق آن‌ها محوطه‌های مرتبط با دوره‌ی ساسانی در دشت ارزشیابی (علیدادی سلیمانی،

۱۳۸۹-۱۳۸۷) شامل تپه‌ها و محوطه‌هایی فاقد پیوستگی و وسعت قابل توجه هستند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که محدوده‌ی مورد مطالعه در این تحقیق نمی‌تواند بیانگر جوامع شهرنشین یا یکجانشینی‌هایی با پیچیدگی‌های روستاهای بزرگ عهد ساسانی مانند آنچه در فارس و خوزستان وجود دارد، باشد. برای برپایی آتش آدران به چهار نوع آتش خانگی اجاق‌های فرماندار محل، فرماندار ارتش، قاضی محل و کشاورز محل نیاز است (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۳۴۳؛ Modi, 1922: 239-240)، بر اساس متون دوره‌ی اسلامی تقسیمات اداری اواخر دوره‌ی ساسانی به ترتیب رده شامل ده، رستاق، شهر، کوره و بلاد می‌شود (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۸؛ Lukonin 1983: 727 ; Miri 2012: 29). با توجه به موقعیت چهارطاقی‌های مورد مطالعه و محوطه‌های پیرامونی آن‌ها می‌توان این‌گونه احتمال داد که در دوره‌ی ساسانی این محوطه‌ها با واحد «ده» همپوشانی داشته، ضمن آنکه با توجه به نزدیکی دو چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد با یکدیگر و فاصله‌ی آن‌ها با سایر چهارطاقی‌ها و مشابهت احتمالی در کاربری چهارطاقی‌های دشت ارزوئیه، این موضوع که در این فاصله دو یا چند فرماندار محلی و فرماندار ارتشی حضور داشته‌اند تا حدود زیادی به‌دوراز تصور می‌تواند باشد و به‌طور کلی مهم‌ترین ابهام قابل طرح تراکم جمعیتی این ناحیه است که با

توجه به حاشیه‌ای بودن منطقه، اصولاً تعداد قابل توجهی از تراکم جمعیت را داشته که نیاز به وجود چند سلسله‌مراتب اداری-دیوانی در این ناحیه باشد؟ مورد دیگری که می‌تواند به شناخت آتش مورد نگهداری در این آتشکده‌ها کمک نماید، وجود سکو در چهارطاقی علی‌آباد است. بازسازی سکوی مذکور و سنجش آن در کنار سایر عناصر مشابه در چهارطاقی‌های جنوب و غرب ایران، همسان‌سازی این عنصر معماری با «اورویس» موجود در نیایشگاه‌های زرتشتی را اثبات نموده (زبان‌آور و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳) و با توجه به نوع آتش موجود در «اورویسگاه» که تنها می‌تواند آتش دادگاه باشد (Boyce, 1968: 55)، در این صورت انتصاب این آتشکده‌ها به آتش دادگاه نمی‌تواند دور از انتظار باشد. بنابراین با توجه به ابعاد چهارطاقی‌های مورد مطالعه که در گروه چهارطاقی‌های متوسط رو به کوچک قرار می‌گیرند، شباهت‌های ساختار معماری چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد با دو مجموعه‌ی دیگر دشت ارزوئیه، فاصله‌ی کم میان چهارطاقی‌ها، محوطه‌هایی که پیرامون چهارطاقی‌ها قرار دارند و مقایسه‌ی موقعیت چهارطاقی‌ها با شرایط آتش‌های مورد نیاز برای آتش نیایشگاه آدریان می‌توان این‌گونه انتظار داشت که احتمالاً چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد با آتش دادگاه در ارتباط بوده‌اند. حال اگر این فرضیه را در مورد

آتشکده‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد بپذیریم، در این صورت می‌توان متصور شد که این سازه‌ها تا حدود زیادی شباهت به نیایشگاه‌های گونه‌ی «درمهر» امروزی دارد که علاوه بر فضای معماری مذهبی که مراسم‌ها و آئین‌های مذهبی در آن اجرا می‌شده، مرکزی جهت دادگری در اختلافات و مباحثات نیز بوده است (دابو، ۱۳۵۸: ۱۳).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد که تاکنون تنها توسط لویی واندنبرگ مورد مطالعه‌ی میدانی قرار گرفته بود و افرادی نظیر شیپمان و نامجو نیز در پژوهش‌های خود به گزارشات وی استناد نموده‌اند، مورد مطالعه‌ی میدانی، تهیه‌ی پلان بر اساس نویافته‌های باستان‌شناختی از چهارطاقی‌ها و مقایسه با سازه‌های هم‌جوار و مشابه در نواحی جنوب شرقی ایران قرار گرفت. این یافته‌های جدید که شامل شواهدی از فضاهای معماری الحاقی می‌باشد، ضمن اینکه بیانگر گسترده بودن مجموعه‌ها بوده، شباهت‌های ساختار معماری در بناهای مورد مطالعه را نیز به اثبات می‌رساند که این موضوع می‌تواند به مشابه و یکسان بودن کاربری احتمالی این بناها دلالت داشته باشد. همچنین با توجه به دسته‌بندی آتش‌های مقدس و پیچیدگی تقدیس آتش‌های بهرام و آدران و

مواردی همچون ابعاد چهارطاقی‌ها، شباهت‌های ساختار معماری و نزدیکی این بناها به یکدیگر، به نظر می‌رسد که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد بناهای مذهبی بوده‌اند که در آن‌ها آتش دادگاه نیایش می‌شده است. چنانچه وجود آتش دادگاه در چهارطاقی‌های مورد مطالعه در این نوشتار را بپذیریم، در این صورت نکته‌ای که قابل تأمل می‌باشد، این موضوع است که نیایشگاه‌های متعلق به آتش دادگاه در دوره‌ی ساسانی از پیچیدگی‌های ساختار معماری همچون راهروی پیرامونی و فضاهای معماری الحاقی برخوردار بوده و در این‌گونه از نیایشگاه‌ها احتمالاً موبدانی برای خدمتگزاری و مواردی همچون دادگری در مباحثات و رفع اختلافات جوامع روستایی به کار گرفته می‌شدند. چنانچه نتایج حاصل از این تحقیق را بپذیریم، آنگاه نیاز است تا کاربری بسیاری از بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی مانند چهارطاقی‌های جولیان (محمدی فر و مترجم، ۱۳۹۰) و میل میله گه (مرادی، ۱۳۸۸) را که به‌عنوان نیایشگاه‌های مرتبط با آتش آدران در نظر گرفته شده‌اند و دارای ساختار معماری تا حدود زیادی مشابه با بناهای مورد مطالعه در این پژوهش هستند تجدیدنظر نموده یا اینکه این‌گونه از تفاوت‌های موجود را ناشی از مواردی همچون تنوع فرهنگ مذهبی در نواحی مختلف شاهنشاهی ساسانی دانست.

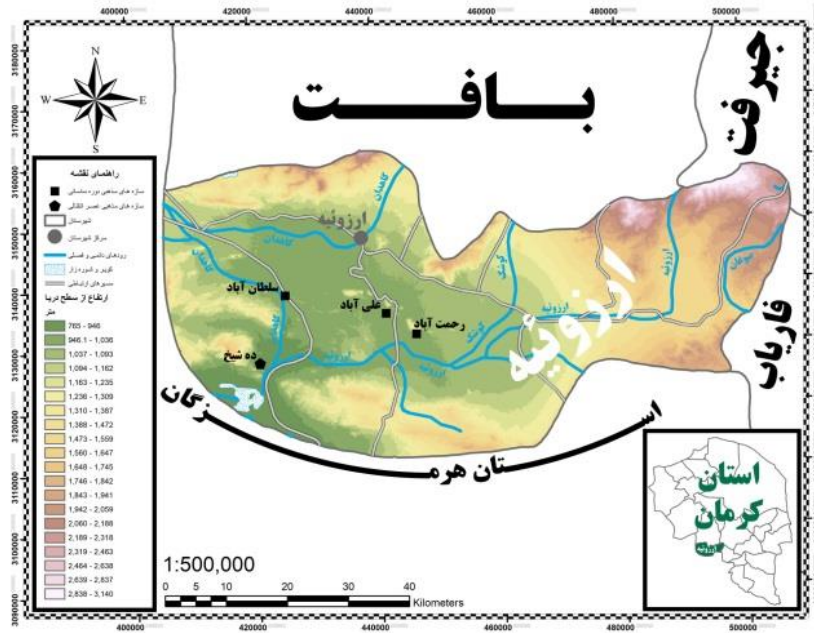
منابع

- شهرستان اسلام‌آباد، کرمانشاه، در مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۱۷۷-۱۷۹.
- دابو، خورشید، (۱۳۵۸)، دانستنی‌های آدینی زرتشتی، ترجمه رشید شهردان، چاپ اول، انتشارات فروهر.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۳)، سقوط ساسانیان فاتحان خارجی مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک‌لو، چاپ دوم، نشر تاریخ ایران.
- دوشن‌گیمن، ژاک، (۱۳۸۵)، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، چاپ دوم، تهران، نشر علم.
- رضوانی، حسن، (۱۳۸۴)، پرونده ثبتی آتشکده‌ی شیان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- رمضانخانی، صدیقه، (۱۳۸۷)، فرهنگ زرتشتیان یزد، چاپ اول، انتشارات صبحان نور- پایگاه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری شهر تاریخی یزد.
- زبان آور، علیرضا، مرتضایی، محمد، شعبانی صمغانی، رضا، (۱۳۹۹)، تأملی
- اکبرزاده، داریوش، (۱۳۸۵)، سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبدان موبد، چاپ اول، تهران، پازینه.
- ابن حوقل، محمد، (۱۳۴۵)، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، جلد ۱، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، مسالک و ممالک، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار. چاپ اول، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
- اون‌والا، ارواد مانوکجی روستم‌جی، (۱۹۲۲)، روایات داراب هرمزدیار، جلد اول، بمبئی.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۸۵)، جغرافیای کرمان، چاپ پنجم، تهران، نشر علم.
- بویس، مری، (۱۳۸۹)، دیانت زرتشتی در دوران متاخر، ترجمه فریدون وهمن، چاپ دوم، تهران، نشر ثالث.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالاسلام کاتب، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- خسروی، شکوه، رشنو، اصغر، (۱۳۹۳)، کاوش اضطراری محوطه‌ی پلنگ‌گرد

- در کاربری برخی عناصر داخلی نیایشگاه‌های دوره‌ی ساسانی: منطبق سازی یافته‌های نواحی شرقی فارس و غرب کرمان با شواهد باستان‌شناختی مناطق غرب ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۰(۲۶)، صص ۷۵-۹۶.
- علیدادی سلیمانی، نادر، (۱۳۸۷-۱۳۸۹)، بررسی شهرستان ارزوئیه، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، (منتشر نشده).
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان، (۱۳۸۳)، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- گذار، آندره، (۱۳۸۷)، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، جلد یکم، چاپ پنجم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- محمدی فر، یعقوب و عباس مترجم، (۱۳۹۰)، جولیان: آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۹، صص ۷۷-۸۸.
- مرادی، یوسف، (۱۳۸۸)، چهارطاقی میل میله‌گه؛ آتشکده‌ای از دوره ساسانی، مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۸۵.
- مرتضایی، محمد، زبان آور، علیرضا، (۱۳۹۶)، بازنگری مکان نیایشگاه
- آذرفرنبغ در دوره‌ی ساسانی بر اساس تطبیق منابع مکتوب سده سوم تا هفتم هجری و شواهد باستان‌شناختی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱۲، صص ۱۷۵-۱۹۴.
- نامجو، عباس، (۱۳۹۰)، مکان یابی باستان‌شناسی آتشکده‌های ساسانی بنا بر متون تاریخی و جغرافیایی سده سوم تا نهم هجری، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر جواد نیستانی، (منتشر نشده).
- هاشمی زرج‌آباد، حسن، و همکاران، (۱۳۸۹)، چهارطاقی خانه دیو آتشکده‌ای نویافته از دوره ساسانی، باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۲.
- Azarnoush, M., (1994). The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran. Le lettere.
- Boyce, M., (1968). On the sacred fires of the Zoroastrians. Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 31(1): 52-68.
- Boyce, M., (1979). Zoroastrians Their Religious Beliefs and Practices. London, Routledge & Kegan Paul.
- Boyce, M., (1975). On the Zoroastrian temple cult of fire. Journal of the American Oriental Society 95: 454-465.
- Erdmann, K., (1941). Das Iranische Feuer heiligtum. Berlin, JC Hinrichs Verlag.

- Miri, N., (2012). Historical Geography of Fars during the Sasanian Period. e-Sasanika.
- Rahbar, M., (1998). Découverte d'un monument d'époque sassanide à Bandian Dargaz. *Studia Iranica* 27: 213-250.
- Rahbar, M., (2004). Le monument sassanide de Bandiān Dargaz. *Studia Iranica* 33: 7-30.
- Schippmann, K., (1971). Die iranischen Feuerheiligtümer, Berlin, Walter de Gruyter.
- Vanden Berghe, L., (1961). Récentes découvertes de monuments sassanides dans le Fars. *Iranica Antiqua* 1: 163-200.
- Vanden Berghe, L., (1965). Nouvelles découvertes de monuments du feu d'époque sassanide. *Iranica Antiqua* 5: 128-147.
- Vanden Berghe, L., (1977). Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuh Luristan. *Iranica Antiqua* 12: 175-196.
- Vanden Berghe, L., (1984). Le Chahar Taq de Qanat-i Bagh (Fars) et l'inventaire des Chahar Taqs en Iran. *Iranica Antiqua* 19: 201-227.
- Fazel, L. and Mohammadifar, Y., (2019). Mirabad-e Emam Qoli: a newly discovered Sassanid-era fire temple in south-eastern Iran. *Antiquity*, 93(367).
- Gropp, G., (1969). Die Funktion des Feuertempels der Zoroastrier. *AMI* 2: 147-175.
- Hashemi, H., and B. Kaim, (2010). Khone-ye Div, Preliminary report on the first season of Irano-Polish excavations. *Polish Archaeology in the Mediterranean* XIX: 603-612.
- Kaim, B., (2002). Un Temple du feu Sassanide decouvert a Mele Hairam Turkmenistan Meridional. *Studia Iranica* 32: 215-230.
- Kaim, B., (2004). Ancient Fire temples in the light of the discovery at Mele Hairam. *Iranica Antiqua* 39: 223-237.
- Kaim, B., Bakhtiari, M. and Hashemi, H., (2010). Khone-ye Div. Preliminary report on the second and third seasons of Irano-Polish excavations (2009 and 2010) Author (s). *Polish Archaeology in the Mediterranean* 22 (Research 2010): 543-551.
- Khosravi, S., Alibaigi, S., & Rahbar, M., (2018). The Functions of Gypsum Bases in Sasanid Fire Temples: A Different Proposal". *Iranica Antiqua* 53: 267-298.
- Lukonin, V. G., (1983). Political, Social and Administrative Institution: Taxes and Trade. In: E. Yarshater, (ed.). *CHI* III. Part 2. Cambridge: 681-746.
- Modi, J.J., (1922). The Religious ceremonies and customs of the Parsees. Bombay: British India Press.

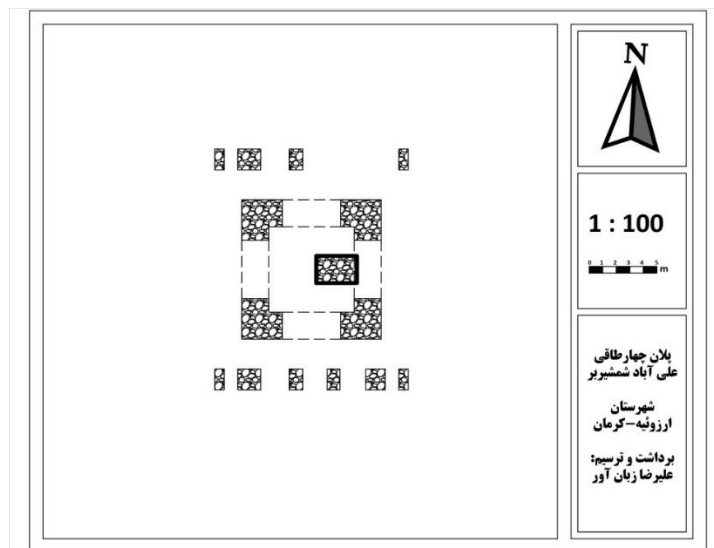
مطالعه‌ی چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد.....



تصویر ۱- نقشه پراکندگی چهارطاقی‌های ساسانی شهرستان ارزوئیه (نگارندگان)



تصویر ۲- تصویر ماهواره‌ای محوطه چهارطاقی علی‌آباد (google earth)



تصویر ۳- پلان چهارطاقی علی‌آباد (نگارندگان)



تصویر ۴- (A) نمای غربی، (B) نمای شمال غربی، (C) نمای جنوب شرقی، (D) نمای شمال شرقی چهارطاقی علی آباد (نگارندگان)



تصویر ۵- (A) نمای داخلی ضلع غربی، (B) نمای داخلی ضلع شرقی، (C) بقایای برجستگی های ضلع شمالی، (D) بقایای برجستگی های ضلع جنوبی (نگارندگان)



تصویر ۶- بقایای سکو در ضلع شرقی چهارطاقی (نگارندگان)



تصویر ۷- نمای عمومی تپه‌ی تاریخی جنوب غربی چهارطاقی علی‌آباد (نگارندگان)



تصویر ۸- (A) نمای داخلی ضلع شمال شرقی، (B) نمای داخلی جز جنوبی، (C) نمای داخلی ضلع جنوب غربی، (D) فضاهای معماری ضلع شمال غربی چهارطاقی رحمت‌آباد (نگارندگان)



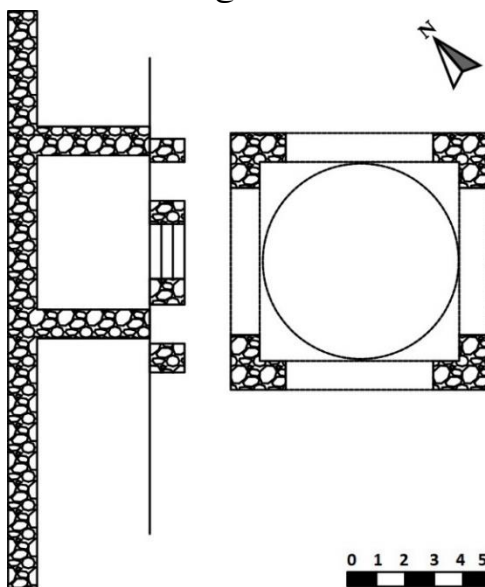
تصویر ۹- (A) نمای ضلع شمال شرقی، (B) نمای شمال غربی، (C) نمای جنوبی، (D) نمای غربی چهارطاقی رحمت‌آباد (نگارندگان)



تصویر ۱۰- تصویر ماهواره‌ای چهارطاقی رحمت آباد (Google Earth)



تصویر ۱۱- بقایای داغی‌های قوس راهروی میانی در ضلع جنوب شرقی چهارطاقی رحمت آباد (نگارندگان)



تصویر ۱۲- پلان چهارطاقی رحمت آباد (نگارندگان)

مطالعه‌ی چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد.....

جدول ۱- مشخصات چهارطاقی‌های ساسانی استان کرمان (نگارندگان)

نام	ابعاد محوطه	ضلع خارجی	ضلع داخلی	جرز خارجی	جرز داخلی	ارتفاع جزز	پهنای طاق	ارتفاع طاق	پهنای راهرو	دیوار راهرو	ورودی راهرو	مصالح
۱	سلطان‌آباد	۸۰*۹۵	۹/۳	۵/۷	۲/۵	۱/۸	۵	۴/۳	۲/۱	۱	۱/۹	سنگ
۲	رحمت‌آباد	۷۲*۷۶*۹۷	۸/۹	۶/۹	۱/۹	۱	۴/۶	۵/۱	۱/۶	-	-	سنگ
۳	علی‌آباد	۶۲*۶۶	۱۰/۳	۶/۸	۳	۲	۶	۴/۳	۲/۱	۱/۵۵	-	سنگ
۴	ده شیخ	۳۰*۸۰	۷	۴/۴	۱/۹	۱/۳	۳/۱	۲/۸	۲	۱/۲	-	سنگ
۵	نگار	-	۷/۸	۴/۸	۲/۳۵	۱/۶	۴/۱	۳/۱	۰/۹	۰/۸	۰/۹۶	سنگ
۶	بردجین	-	۱۰/۶	۶/۶	۳	۲	-	۴/۶	۱/۵	۱/۲	-	سنگ

جدول ۲- ابعاد برخی از چهارطاقی‌های ساسانی (مرتضایی و زبان‌آور، ۱۳۹۶: ۱۸۸)

نام مجموعه	موقعیت مکانی	ضلع بیرونی سازه (متر)	ابعاد بیرونی جزرها (متر)	ابعاد حدودی محوطه (متر)
۱	فارس	۱۶/۸	۶/۵۵ - ۶/۹۵	۱۴۰*۸۰
۲	مرکزی	۱۲/۵	۳	۷۰*۶۵
۳	آذربایجان غربی	۱۶/۷	۶	۴۰۰*۳۲۰
۴	فارس	۱۴/۳	۳/۸	_____
۵	فارس	۱۳	۴	_____
۶	فارس	۸/۶	۲	۷۰*۴۵
۷	فارس	۱۰/۹ - ۸/۴	۴/۵ - ۲	۱۱۵*۷۸



تصویر ۱۳- نمای سکوی مستطیل شکل داخل چهارطاقی سلطان‌آباد (نگارندگان)